

در محضر است

به مناسبت هفته پیوند اولیا و مربیان، آقای ابوالفضل خادمیان، قائم مقام وزیر آموزش و پرورش در سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان به همراه مدیران این سازمان به محضر تنی چند از حضرات آیات عظام و مراجع تقلید قم شرفیاب شدند و از رهنمودهای ایشان بهره‌مند گردیدند. در این شماره، به مناسبت «روز خانواده»، بیانات و رهنمودهای حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و حضرت آیت‌الله ابراهیم امینی از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

رهنمودهای حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ تَسْتَعِينُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ سَيِّمًا بِقِسْمَةِ اللَّهِ أرواحنا قِداه. و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

می‌دانیم که اسلام مهم‌ترین هدف بعثت پیامبران را مسئله تعلیم و تربیت ذکر می‌کند که در چند آیه قرآن به آن اشاره شده است. در آغاز سوره جمعه همه خوانده‌ایم: هُوَ الَّذِي يَعْثُ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ ان كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

خداوند از میان جمعیت درس نخوانده و گمراه کسی را، مبعوث کرد که آنها را تعلیم و تربیت کند. بنابراین، مهم‌ترین هدف انبیا و پیامبر اسلام تعلیم و تربیت بود و برنامه شما در انجمن اولیا و مربیان هم در واقع درست در راستای اهداف اسلام است که همه، اعم از اولیا، مربیان، علما و مراجع، مسئولین دولت، مسئولان آموزش و پرورش و همه رسانه‌ها باید به آن اهمیت بدهیم.

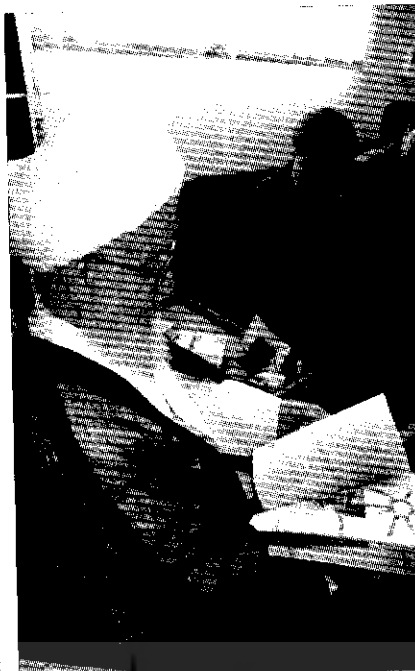
این نکته را اضافه کنیم که هر قدر نهادها شدیدتر می‌شود، فساد در دنیا بیش‌تر می‌گردد و در نتیجه وظیفه ما، انجمن اولیا و مربیان و رسانه‌ها هم سنگین‌تر می‌گردد. در دوره‌ای می‌گفتند به مراکز فساد نروید، اما حالا به یک معنا می‌توان گفت که همه دنیا مرکز فساد شده است. زیرا با وجود سایت‌ها و کانال‌هایی که مرتباً در همه خانه‌ها برنامه پخش می‌کنند، خانه‌ها و خانواده‌ها بالقوه می‌توانند به مرکز فساد تبدیل بشوند. در چنین شرایطی،

وظیفه ما بسیار سنگین می‌شود و مسئولان سه کانون باید خود را در این زمینه مسئول بدانند. بچه‌ها، نوجوانان و جوانان در سه مدرسه درس می‌خوانند: یکی در مدارس رسمی آموزش و پرورش، دیگری در خانواده و سومی در میان خانه و مدرسه، یعنی در محیط اجتماع. در این سه مدرسه، فرزندان ما تربیت می‌شوند، بنابراین هر کدام از این سه مدرسه کوتاهی کند، بار دیگری سنگین‌تر می‌شود.

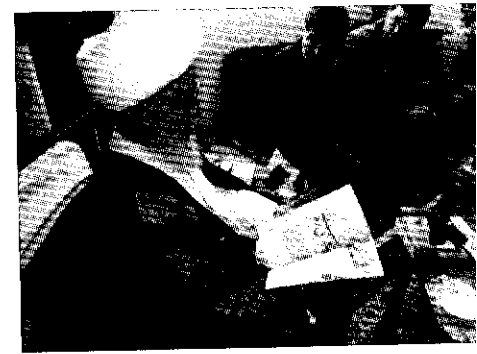
انجمن اولیا و مربیان می‌خواهد دو مدرسه را به هم پیوند دهد (خانه و خانواده و مدرسه). اگر رسانه‌ها نیز که بخش سوم را تشکیل می‌دهند، به شما (انجمن اولیا و مربیان) پیوندند، همه دست به دست هم داده‌ایم تا مسائل موجود را اصلاح کنیم. تا کسی مشکلات فرهنگی را نبیند، به اهمیت کار شما پی نمی‌برد. روز گذشته عکس‌های محرمانه‌ای از بعضی از مراکز نیروی انتظامی برایم آورده بودند که بچه‌های گرفتار در دام مواد مخدر را نشان می‌داد. دیدن این عکس‌ها قلب انسان را به درد می‌آورد. چه کسی در مقابل این اعتیاد و دیگر مفاسد مسئول است؟ همه باید در برابر این مسائل احساس مسئولیت کنیم.

برای من واقعا سخت است که باور کنم پدر و مادری وجود داشته باشند که از آنها دعوت کنند در جلسه‌ای شرکت نمایند که در آن شیوه‌های صحیح تربیت را به آنها بیاموزند تا سرنوشت فرزندان‌شان به گونه‌ای رقم بخورد که مایه آبروی آنها شوند، نه مایه ننگ و بدبختی خانواده، و آنان چنین دعوتی را





روی هر حسابی باشد:
حساب دین، عقل، عواطف
انسانی یا عاقبت اندیشی،
پدر و مادر باید نسبت
به سرنوشت فرزندشان
احساس مسئولیت کنند.



من از کوشش‌های انجمن‌های اولیا و مربیان به
سهام خود قدردانی می‌کنم. راهی که شما در آن
قدم نهاده‌اید، همان راهی است که ما می‌خواهیم
همه مردم به آن راه بروند.

می‌فرستد. بنابراین تصور نکنید که فقط پدر و مادر بر گردن
فرزند حق دارند، فرزندان هم بر گردن پدر و مادر حق دارند.
امیدوارم صدای ما به گوش همه پدران و مادران برسد که
اولاً حق الهی را احساس کنند و ثانیاً منهای حق الهی (به
مذهب کار نداریم)، اگر هر کسی در دنیا و زندگی دنیایی
دلش می‌خواهد فرزندش آبروریزی، بدبختی، دردسر و مشقت
بازوی او شود، نه وسیله آبروریزی، بدبختی، دردسر و مشقت
او، باید در مقابل او احساس مسئولیت کند. در دوران قبل
از انقلاب، پدری را سراغ داشتم که همه امکانات دنیا را در
اختیار داشت، اما از مشکلی رنج می‌برد که زندگی و دنیا را
برای او تیره و تار کرده بود. او یک فرزند معتاد داشت که مرتباً
گرفتار می‌شد و به زندان می‌رفت و پدر بی در پی او را آزاد
می‌کرد. بدین ترتیب، آبروی این پدر ریخته بود و آرامش فکر

نپذیرند. چطور می‌شود که انسان نسبت به سرنوشت فرزندش
بی تفاوت باشد؟! اما از نظر دینی یک مسئولیت اخروی نیز
داریم. ما می‌گوییم در روز قیامت از دو دسته شکایت می‌کنند:
پدران و مادرانی از دست فرزندانشان شکایت می‌کنند که این‌ها
حق ما را ادا نکردند و فرزندانی که دامان پدران و مادرانشان
را می‌گیرند که این‌ها در تربیت ما کوتاهی کردند. اگر اینان
مراقب ما بودند، ما به این سرنوشت گرفتار نمی‌شدیم.
امیرمؤمنان، علی - علیه السلام - جمله پرمعنائی دارد و
می‌فرماید: حق در عالم یک طرفه نیست. به عنوان مثال، طلبکار
حق دارد از بدهکار بگیرد، اما بدهکار هم حقی بر طلبکار دارد.
یعنی اگر بدهکار عسر و حرج دارد، طلبکار باید به او مهلت
بدهد. بالاترین حق، حق خدا بر بندگان است، اما بندگان هم
حق هدایت بر خدا دارند. خداوند انبیا را برای هدایت بندگان



نداشت. بنابراین. روی هر حسابی باشد: حساب دین، عقل، عواطف انسانی یا عاقبت اندیشی. روی همه این حساب‌ها، پدر و مادر باید نسبت به سرنوشت فرزندشان احساس مسئولیت کنند و اگر دعوت انجمن اولیا و مربیان برای تشکیل جلسات به تأخیر افتاد، خود پی‌گیری کنند و در این زمینه طلبکار باشند که چرا جلسات اولیا و مربیان به تأخیر افتاده است؟! امیدوارم که رسانه‌های جمعی هم به این امر کمک کنند. البته رسانه ملی و دیگر رسانه‌ها کار می‌کنند، ولی من معتقدم که باید بیش از این‌ها تلاش کنند. رسانه‌ها باید حجم مفاسد و تهاجم دشمن را ببینند و متوجه آن باشند. امروز، مسئله فساد به یک مسئله سیاسی تبدیل شده است. زمانی، مسئله فساد، مسئله‌ای تجاری بود، یعنی مواد مخدر با هدف کسب درآمد در جامعه توزیع می‌شد، اما اکنون به یک مسئله سیاسی بدل شده، می‌خواهند جوانان را از درون بپوسانند. وقتی ما در میان اخبار محرمانه می‌شنویم که اسرائیل علی‌رغم کمبود زمین خود، بخشی از آن را به کشت خشخاش اختصاص داده است تا با توزیع مواد مخدر در میان جوانان جنوب لبنان، آن‌ها را معتاد کرده، از پای در آورد؛ این هشدار است برای ما که بدانیم مسئله اعتیاد، رنگ سیاسی یافته است.

من از کوشش‌های انجمن‌های اولیا و مربیان به سهم خود قدردانی می‌کنم. راهی که شما در آن قدم نهاده‌اید، همان راهی است که ما می‌خواهیم همه مردم به آن راه بروند. این راه به اهداف ما کمک می‌کند و ما هم سعی‌مان این است که به اهداف شما کمک کنیم. منتها هر چه در این زمینه اطلاع‌رسانی بیش‌تری صورت بگیرد، مؤثرتر است. از جمله کارهایی که لازم است انجام دهید این است که از تأثیر فعالیت‌های خود در کاهش مفاسد اجتماعی آماری ارائه دهید تا مشخص شود که کار شما چند درصد در اصلاح بچه‌ها اثر داشته است. اگر این آمار را همراه با دعوت‌نامه برای خانواده‌ها ارسال کنید و آن‌ها از آثار مثبت فعالیت‌های شما آگاه شوند، مطمئن باشید که به اصطلاح، به جای آن که با پای ببینند، با سر می‌آیند و از برنامه‌های شما استقبال می‌کنند. امیدوارم که ان شاء الله موفق باشید.

بیانات حضرت آیت‌الله امینی

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز وضع جوانان، نوجوانان و حتی کودکان ما وضع مطلوبی نیست و متأسفانه همان تهاجم فرهنگی که مقام معظم رهبری در سال‌های اول به آن اشاره فرمودند، در حال حاضر کاملاً محسوس است. اولاً سن بنوع خینی پایین آمده است، به طوری که سابقاً پسرها در سن ۱۵ سالگی هم به حد بلوغ جنسی نمی‌رسیدند، اما الان، با کمال تأسف، بین ۹ تا

۱۲ سالگی، به سن بلوغ جنسی می‌رسند و از این جهت مشکلاتی برای جوانان به وجود می‌آید که وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که بخشی از آن مربوط به خانواده است. بچه‌ها از خانواده‌هایشان متأثرند و وقتی وارد مدرسه می‌شوند، فرهنگ خانواده را به مدرسه می‌آورند و بخشی از این‌ها به رسانه‌های جمعی (صدا و سیما)، مخصوصاً اینترنت، ماهواره، سی‌دی‌های مبتذل، فیلم‌های مبتذل و ... (که متأسفانه جلوی این‌ها را هم نمی‌توان گرفت)، مربوط می‌شود. برای حل این قبیل مشکلات جوانان در مرحله اول باید ببینیم که چه کار کنیم تا این مشکلات به وجود نیاید یا کاهش پیدا کند و در مرحله دوم مشکلات نوجوانان و جوانانمان را اصلاح کنیم. البته همان‌گونه که می‌دانید و در آمارها آمده است، در حال حاضر



پسند

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
دی ۱۳۸۶
شماره ۳۴۹

خانواده‌ها نیاز دارد، زیرا بسیاری از مشکلات دانش‌آموزان از خانواده‌ها سرچشمه می‌گیرد. رفتار بد و ناآگاهانه پدر و مادر بر فرزندان تأثیر می‌گذارد و مشکلات فراوان به وجود می‌آورد. از این رو، ارتباط تنگاتنگ آموزش و پرورش با خانواده یکی از ضروریات است. اکثر مشکلات کودکان، نوجوانان و جوانان از رفتار خاص پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده نشأت می‌گیرد. به همین دلیل، برای حل مشکلات موجود، پدر و مادر باید با مدرسه همکاری کنند. حسب ظاهر، همه دانش‌آموزان در مدرسه یک جورند. اما اولیای مدرسه که از نزدیک با آنان سروکار دارند، مشاهده می‌کنند که برخی از دانش‌آموزان حرکات نابهنجاری دارند. طبیعی است که برای حل این قبیل مشکلات و نابهنجاری‌ها باید علت‌ها را جست‌وجو کرد و برای این کار باید با خانواده دانش‌آموز ارتباط برقرار نمود و مشکل فرزندشان را با آن‌ها در میان گذاشت تا علت‌یابی شود و در نهایت، با از میان بردن علت‌ها، تا حدودی بتوان مشکل موجود را حل کرد. در این زمینه به‌طور قطع



پدر و مادر مسئولیتی مشترک دارند و بسیار اشتباه است که پدر همه مسئولیت‌های تربیتی فرزند را بر عهده مادر بگذارد. من از کار بعضی پدرها تعجب می‌کنم که تنها مسئولیت خود را داشتن یک شغل و کسب درآمد می‌دانند و به امور دیگر خانه و خانواده بی‌توجه‌اند. این دسته از پدران صبح زود از خانه خارج می‌شوند و بین ساعات ۹ و ۱۰ شب به خانه بر می‌گردند و بدین ترتیب وقت بسیار اندکی را در خانه صرف می‌کنند. البته ناگفته نماند که بخشی از این مشکل از تجمل‌گرایی حاکم بر جامعه ما ناشی می‌شود که از مصیبت‌های بزرگ جامعه ماست. پدر و مادر می‌خواهند از دیگران عقب نیفتند و درآمد بیش‌تری کسب کنند. به عبارت دیگر، قانع و اهل قناعت نیستند. لذا وقت کافی برای حل مشکلات فرزندانشان باقی نمی‌ماند. حال آن که برای حل مشکلات فرزندانشان، ابتدا خود والدین باید رفتارشان را در خانه اصلاح کنند. بهترین راه تربیت فرزند این است که محیط خانواده، محیط انس، مودت و تفاهم باشد. برخی از من می‌پرسند که چه کار کنیم تا بچه‌هایمان را خوب تربیت کنیم؟ من در پاسخ به این سؤال این‌گونه توصیه می‌کنم: روابط خانوادگی خود را بهبود ببخشید و محیط خانواده را آرام کنید تا بچه‌ها به برقراری ارتباط با شما علاقه‌مند شوند، از خانه فرار نکنند، در دام اعتیاد گرفتار نشوند و به مسائل اخلاقی و فساد اخلاقی دچار نگردند. وقتی بچه‌ها محیط خانه

میزان ارتباط کودکان، نوجوانان و جوانان با خانواده‌هایشان، در طول شبانه‌روز، بسیار کم است. یعنی فرزندان زمانی که در خانه حضور دارند کتاب و قلم و کاغذ را کنار می‌گذارند تا به تماشای فیلم‌ها بپردازند و بدین ترتیب ارتباط پدر و مادر با آن‌ها بسیار کم است. در چنین شرایطی پدر و مادر چگونه می‌توانند فرزندانشان را تربیت کنند؟ به عبارت دیگر، کار تربیت، اساساً از دست پدر و مادر خارج شده است. در حال حاضر حرف اول را در تعلیم و تربیت، صدا و سیما، مخصوصاً سیما و بعد از آن فیلم‌های مختلفی می‌زنند که در اختیار فرزندان قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، دیگر فرصتی برای خانواده باقی نمی‌ماند که به امر تعلیم و تربیت بپردازد. خوشبختانه، کودکان و نوجوانان، به اصطلاح ناچارند بخشی از اوقات خود را در مدرسه بگذرانند و در آن جا دیگر نمی‌توانند تلویزیون و فیلم تماشا کنند. بنابراین باید گفت بعد از صدا و سیما، حرف اول را نظام آموزش و پرورش می‌زند، چرا که هر روز حدود ۴ ساعت (کم‌تر یا بیش‌تر)، دانش‌آموزان در مدرسه حضور دارند و بدین ترتیب، نظام آموزش و پرورش می‌تواند نقشی مهم در تعلیم و تربیت داشته باشد. به بیان دیگر، نقش مدرسه نه تنها کم‌تر از پدر و مادر نیست، بلکه بیش‌تر نیز می‌باشد. به علاوه، دانش‌آموزان احترامی خاص برای معلمان و اولیای مدرسه قائل‌اند. بدیهی است که آموزش و پرورش به تنهایی نمی‌تواند خوب کار کند و به همکاری صدا و سیما و

را امن ندانند از آن فرار می‌کنند و به دام شیادان می‌افتند. من با لطف خداوند متعال از اوایل انقلاب با جوان‌ها تماس بسیار داشته‌ام و اکنون هم این تماس‌ها چه از طریق نامه و تلفن و چه از نزدیک بیش‌تر شده است. لذا وضع و مشکلات جوانان و علل آن‌ها را به‌خوبی درک و لمس می‌کنم. لذا تقاضای من این است که پدران در این زمینه عنایت بیش‌تری به خرج دهند و به فرزندان و خانواده خود ظلم روا مدارند. بچه‌ها قبل از این که رفاه زندگی را ببینند، به انس، مودت و محبت خانواده توجه می‌کنند. دختر و پسر، درس شوهرداری و زرداری را از رفتار پدر و مادرشان می‌آموزند.

در این قسمت توصیه‌ای برای سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران دارم. با لطف خداوند متعال، امروز صدا و سیما در اختیار نظام اسلامی است، چیزی که سی سال قبل اصلاً آن را باور نمی‌کردیم. انتظار من این است که تنها هدف صدا و سیما جلب تماشاگر نباشد (تهیه برنامه‌های سرگرم کننده برای داشتن بیننده بیش‌تر). البته این کار باید بشود، اما علاوه بر آن سعی کنند بیش از پیش به بررسی مشکلات ملموس جامعه، مشکلات جوانان و مشکلات خانواده‌ها بپردازند و قدر این نعمت را بدانند که خدا خواسته و آن‌ها در جایگاهی قرار گرفته‌اند که می‌توانند کارهای زیادی انجام دهند. امروزه صدا و سیما جای منبر و مسجد و سخنرانی را گرفته است و در همه جا حضور دارد و این خیلی خوب است و از این وسیله راحت می‌توانند برای اصلاح اخلاق خانواده و جوانان به خوبی بهره‌برداری کنند. در مورد برنامه‌های علمی، اجتماعی و غیره هم عنایت بیش‌تری مبذول شود تا بدآموزی نداشته باشند. متأسفانه وضعیت موجود جوانان ما عمدتاً ناشی از بدآموزی‌های حاصل از تماشای برنامه‌های صدا و سیماست. تقاضای من این است که خود سازمان صدا و سیما این نقیصه را جبران کند. البته فیلم‌هایی که توسط خارجی‌ها وارد می‌شود، سی‌دی‌ها و نوارهای مبتذلی که می‌آید، ماهواره و اینترنت نیز در وضعیت موجود جوانان ما نقش دارند، اما صدا و سیما ایران در این امر بسیار مؤثرتر است. لذا تقاضای من این است که برای رضای خدا، سازمان صدا و سیما کوتاهی‌ها را جبران کند. من مخلصانه به مسئولان سازمان صدا و سیما عرض می‌کنم که وضعیت نوجوانان، جوانان و خانواده‌های ما، اگر نگوییم بحرانی، اما بسیار بد است. لذا برای رضای خدا و به خاطر خون شهدا، که اگر زنده بودند اظهار ناراحتی می‌کردند و نمی‌خواستند بچه‌هایشان معتاد شوند، کوتاهی‌های خود را جبران کنیم، چرا که اعتیاد و دیگر مشکلات جوانان در اثر کوتاهی ما ایجاد شده است.

اما در مورد انجمن اولیا و مربیان باید بگویم که من از قدیم با مسئولان آن آشنا بودم و هنوز هم کم و بیش آشنایی دارم و از خدمات آنان، مانند انتشار مجله و کتاب‌های تربیتی آگاهم.

انجمن اولیا و مربیان دو سه عنوان از کتاب‌های بنده را نیز منتشر کرده است. اخیراً نیز علاوه بر کتاب‌ها، جزوه‌ها و کتابچه‌های کوچکی نیز منتشر شده است که از همه آن‌ها استفاده می‌کنیم، اما خلأی که ما داریم در زمینه اصلاح خانواده‌هاست. البته در اصلاح خانواده‌ها همه نهادها، از جمله صدا و سیما باید تأثیرگذار باشند، ولی انجمن اولیا و مربیان می‌تواند نقشی بسیار مؤثر در این زمینه داشته باشد. پدران و مادران آن‌قدر گرفتارند که نمی‌دانند چگونه باید با فرزندان‌شان رفتار کنند. همیشه میان نسل جوان و نسل سابق فاصله‌ای وجود داشته است، ولی باید توجه داشت که در گذشته تفاوت و فاصله موجود میان دو نسل اندک بود، در حالی که امروزه به سبب وضعیت تبلیغاتی و وجود رسانه‌های جمعی، این فاصله افزایش بسیار یافته است. به عبارت دیگر، اساساً پدر و مادر نمی‌توانند آن‌گونه که فرزندان‌شان فکر می‌کنند، بیندیشند و لذا نمی‌دانند با آن‌ها چگونه رفتار کنند. بعضی از پدرها و مادرها می‌خواهند مثل سابق، مثل دوران خودشان با بچه‌ها رفتار کنند، اما بازه خوبی ندارد. از این جهت، والدین نیاز دارند در کلاس‌های توجیهی و آموزشی شرکت کنند و در این کلاس‌ها به‌طور ساده وظایف ایشان و مشکلات احتمالی دانش‌آموزان مطرح شود و به پدران و مادران توصیه شود که چگونه با فرزندان‌شان رفتار کنند تا آن‌ها را خوب تربیت کنند. البته من اطلاع ندارم و شاید هم چنین کلاس‌هایی باشد. در هر حال یکی از کارهای مهم انجمن اولیا و مربیان تشکیل همین کلاس‌هاست. انجمن اولیا و مربیان در این زمینه با محدودیت‌هایی روبه‌روست و من از آن مطلعم. به عنوان مثال، پدر و مادرها به خوبی از این کلاس‌ها استقبال نمی‌کنند، یا فکر می‌کنند که می‌خواهند کمک مالی از آن‌ها بگیرند. در همین راه نیز صدا و سیما می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

به‌طور کلی، برای اصلاح وضع جوانان و حل مشکلات و حشمت‌ناک خانوادگی، همکاری نزدیک میان صدا و سیما، آموزش و پرورش، انجمن اولیا و مربیان، ائمه جمعه و جماعات، منبری‌ها، گویندگان، نویسندگان و همه و همه ضروری است. اگر همکاری نکنیم نسل آینده ما را لعنت خواهد کرد. مشکل اساسی ما در مسائل فرهنگی این است که امر فرهنگ در کشور مامتولی واحدی ندارد که برنامه‌ریزی کند و همه از آن پیروی کنند. به عبارت دیگر، در مسائل فرهنگی و اجتماعی، وزارت ارشاد، صدا و سیما، جامعه روحانیت و ... هر کدام می‌خواهند برای خودشان خدمت کنند و کار هم می‌کنند، اما از آن جا که هماهنگی وجود ندارد، نتیجه مطلوبی نمی‌دهد. من انتظار دارم که ان شاءالله، به کمک خدا و مسئولان، یک متولی واقعی به‌برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ در امور فرهنگی و اجتماعی بپردازد و همه از آن پیروی کنند.

۹

پیوند

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی

مهر ۱۳۸۶

شماره ۳۳۹